افسر، کرامت الله؛

طرح‌هايي از معماري دهات ايران، ارگ بم، هنر و معماري. سال دوم. (فـروردين ـ اردیبهشت ـ مرداد ۱۳۴۹)، پراکنده.

ارگ بم ـ از کرامت الله افسر

ارگ بم يكي از آثار باستاني ايران است كه با وجود وسعت و اهميت بسزائي كـه دارد گمنام باقي مانده است. تاريخ اين بنـاي عظـيم تـاريخي بگذشـته‌هـاي دور و دراز منتهي مي‌شود كه ريشه آنرا بايد در اعصار ماقبل تاريخ جـستجو كـرد چـه ايـن بنـاي عظيم بر سر يكي از شاهراهاي قديمي قـرار داشـته كـه از لحـاظ بازرگـاني و نظـامي و مهاجرت اقوام گوناگون حائز اهميت فراوان بوده اسـت. از طرفـي قـسمتهاي مركـزي و جنوبي فلات ايران را بدره رودخانه هيرمند و دشتهاي حاصلخيز سيستان و زابل متصل مي‌كرده و از سوي

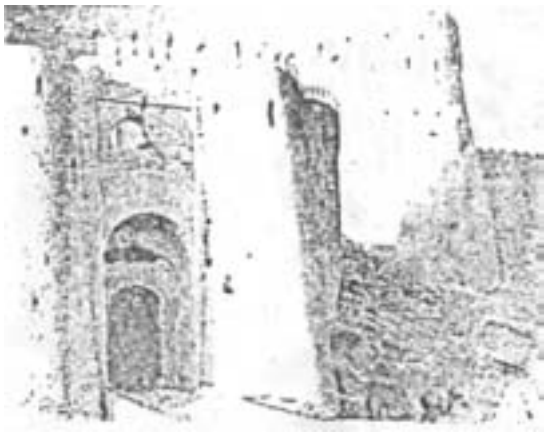

ديگر بنادر مشهور خليج فارس و عمان مانند سيراف و هرستد و طبس را به خراسان و ماوراءالنهر مي‌پيوسته و از همين راه ني قسمتهاي جنوبي و غربي ايران از طريق خشكي بدره رودخانه سند و سرزمين هند دسترسي پيدا مي‌كرده. شهر بم كه در كنار دشت لوت واقع شده است براي راههاي كاروان رو قديم موقعيتي اساسي و حياتي داشته است و حصن حصين آن كه ويرانه‌هاي آن امروز بنام ارگ بم معروف است بهترين وسيله دفاعي اين شاهراه بزرگ بوه است شهر جديد امروزي هم

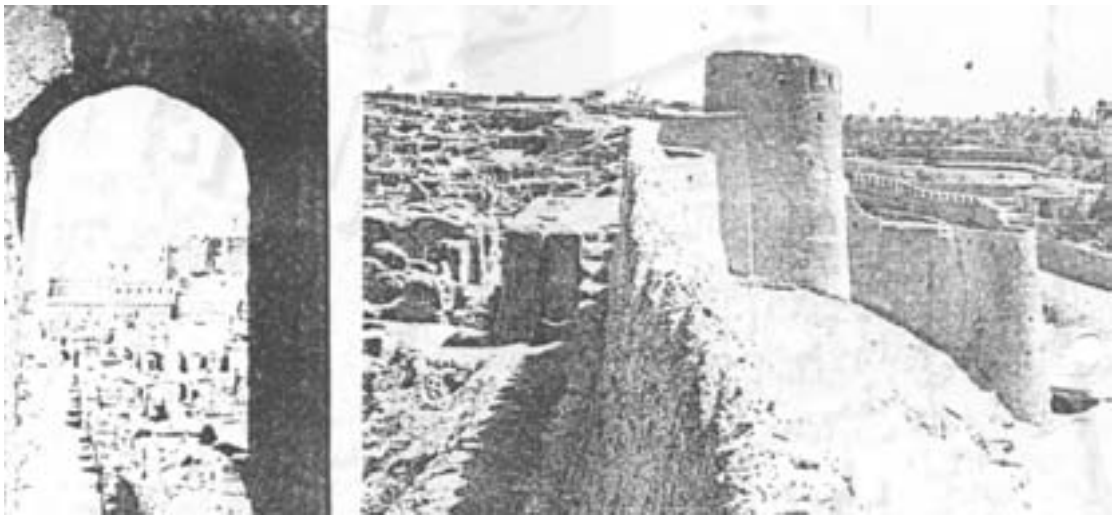

که در حدود يك قرن پيش در فاصله يك كيلومتري جنوب شهر قـديم احـداث گرديده اهميت باستاني خود را همچنان حفظ كرده است زيرا تنها راه ماشين‌روئـي كـه كرمـان را بـه سيـستان و بلوچـستان و خراسـان و بالنتيجـه قـسمتهاي داخلـي را بـه كشورهاي پاكستان و افغانستان همسايگان شرقي ايران متصل مي‌سازد بايد از اين شهر بگذرد.

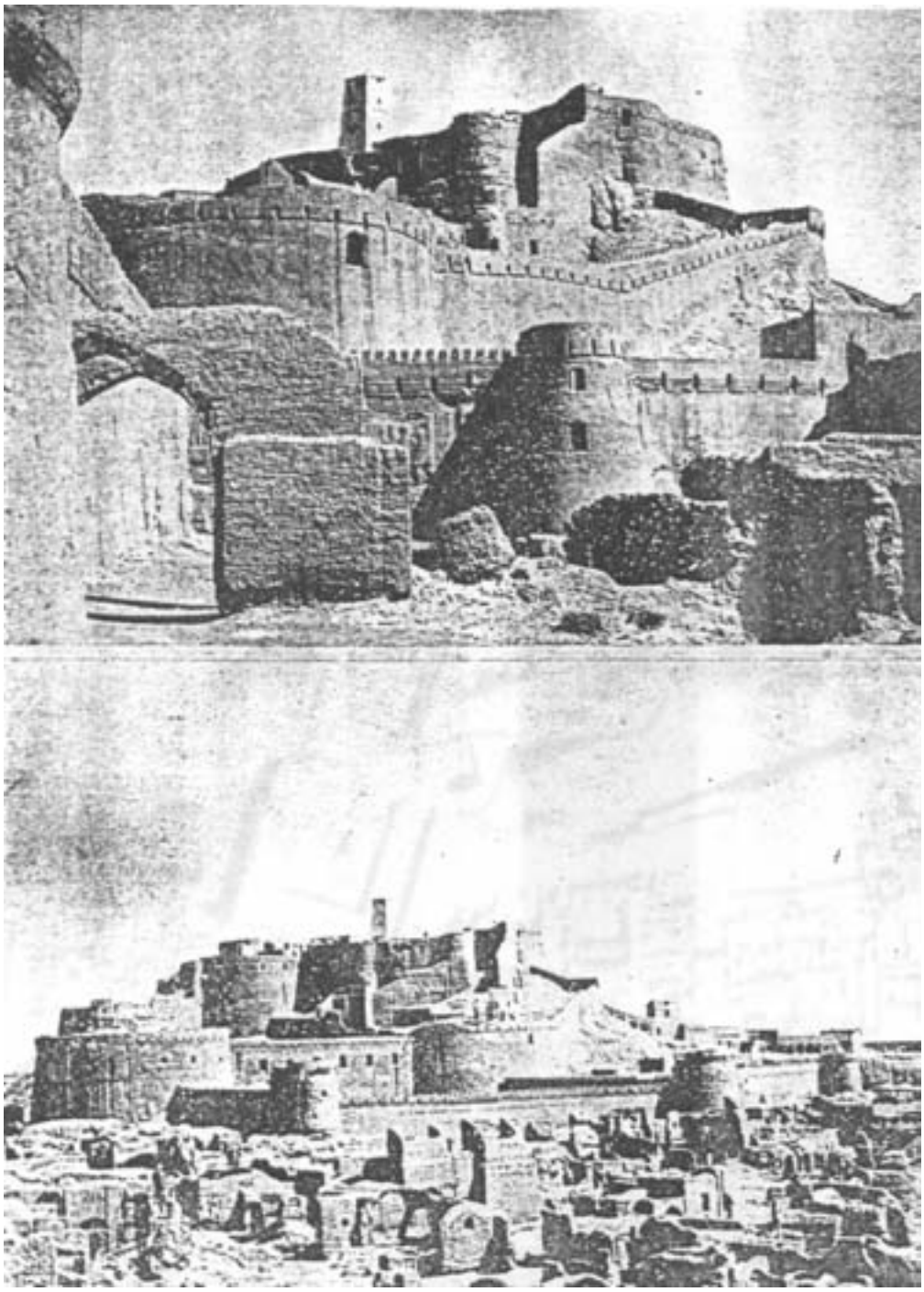

ارگ بم امروز خارج شهر و در حاشیه شمال شرقي آن واقع است و محوطه‌اي را در حدود ٦٠٠٠٠ متر مربع پوشانده است این قلعه عظیم که ویرانه‌هـاي آن گیرنـدگي خاص دارد همگي از خشت خام و در بعضي قـسمتها از آجـر درسـت شـده و طـرح آن بشکل مربع مستطیل است که تخمینا ٣٠٠ متر طول و ٢٠٠ متـر عـرض دارد. دورادور آن را خندقي وسیع احاطه کرده و قسمت مرکزي ارگ بـر روي صـخره‌اي طبیعـي بنـا شده است بطوریکه قسمتهاي پنجگانه آن از داخل بخارج بر دیگري مشرف مي‌باشد.

پنج قسمت مختلف ارگ را ديوارهاي بلند جسيمي از يك ديگر جدا مـي‌سـازد. ديوار خارجي كه حصار اصلي قلعه را تشكيل مي‌دهد از همه پهـن‌تـر بـوده و در چهـار گوشه آن و در فواصل اضلاعش برجهاي دفاعي و ديده‌باني تعبيه شده است.

دروازه اصلي ارگ در وسط ضلع جنوبي قرار گرفته و توسط پل كوچكي كـه بـر روي خندق زده‌اند بخارج متصل مي‌شود. در اطراف اين دروازه چهار بـرج بنـا گرديـده است پس از گذشتن از دروازه وارد خياباني مي‌شويم كه عرض آن در حدود سـه چهـار متر است و طول آن در حدود ٦٠٠ متر مي‌باشد گويا اين خيابان بازار قلعه بوده زيرا در دو سوي آن آثاري از دكان‌ها ديده مي‌شود. بعد از عبور از بـازار بـه دروازه دوم برسـيم اين دروازه نيز داراي برجهاي نگهباني است و نزديك آن اصـطبل ارگ واقـع شـده ايـن اصطبل شامل حياط مربع شكلي است كه حوضي در وسط و آخورهائي در اطـراف دارد و »آخورهائي در اطراف دارد و در پـشت آخورهـا مـال بندهاسـت سـقف مـال‌بنـدها از طاقهاي گنبدي شكل پوشيده شده و نوشته‌اند كه در موقع آبادي دويست راس اسب را در آن جاي مي‌داده‌اند. از اينجا ببعد شيب زمين ارگ تنـدتر مـي‌شـود و در واقـع ايـن قسمت قلعه بر روي صخره طبيعي كه بصورت كوه كوچكي اسـت بنـا گرديـده پـس از عبور از قسمت دوم از دروازه سوم گذشته وارد فضاي گشاده‌اي مي‌شويم كه بد توپخانه مشهور است در اطـراف توپخانـه سـاختمان دو طبقـه نـسبتاً كوتـاهي ديـده مـي‌شـود هنگاميكه سرپرسي سايكس انگليسي در جدود پنجـاه شـصت سـال پـيش از ارگ بـم بازديد كرده و در اينجا چند عراده توپ ته پر مشاهده كرده كه تـاريخ سـاخت يكـي از آنها سال ١٢٥٤ هجري قمري يعني مقارن سلطنت محمد شاه قاجار بـوده اسـت ولـي امروزه اثري از توپهاي مزبور برجاي نمانده است.

پس از طي راه پر نشيب و فرازي بقلعه وسيعي مي‌رسيم كـه يكـي از چـاه‌هـاي ارگ در آن كنده شده است عمق اين چاه را سايكس ١٨٠ پـا نوشـته و در اينجـا بايـد گفت كه در ارگ سه حلقه چاه وجود دارد كه طبق نوشته صنيع‌الدوله در مرات البلدان چاه فوقاني كه همين چاه باشد چهل گز و چاه ارك دوم سي گز و سومي كه در سـطح زمين قرار داشته ٢٧ گز عمق داشته و برحسب روايت همان نويسنده اگر بـا دلوهائيكـه

چهل و پنج من تبريز آبگير آنهاست روزي هزار دلو از چاه‌هاي مزبـور آب مـي‌كـشيدند نقصاني در آب آنها پيدا نمي‌شد.

ساختمان‌هاي قسمت چهارم كه آن نيز توسط ديواري از قسمت سوم جدا شـده بهتر مي‌باشد در زير اين قسمت اطاقها و دالانهاي مخوف تاريكي است كـه زنـدان ارگ بوده است ولي بواسطه گرفتگي هوا و دالانهاي پيچ در پيچ آن تاكنون مورد تحقيق قرار نگرفته است.

قسمت پنجم كه بلندترين قسمت ارگ است مركز فرمان رواي قلعـه و در واقـع دارا دارالحكومه بوده است عمارت اين قسمت بناي چهارگوشي است كه در چهار گوشه آن چهار اطاق است و در ميان اطاقها چهار دهنه است بعرض ٤ متر و طول ٦ متر ايـن ساختمان بعمارت چهار فصل موسوم است.

برج چهار گوش ديده‌باني ارگ در سه طبقه تشكيل يافتـه از طبقـه فوقـاني آن افق وسيعي در برابر چشم بيننده جلوه‌گر مي‌شود از يك طرف رشته كوه‌هـاي هـراز بـا ستيغ پر برق آن و از سوي ديگر كوههاي شهسواران جلوه‌گري مي‌كند. و سبزه

نخلستانها و باغهاي مركبات بم و سبزه‌زارهاي اطراف نرماشير و قاعه زيباي كوه تيرمان چشم تماشاگر را نوازش مي‌دهد.

در قسمت سفلاي ارگ بم مسجد نسبتاً وسـيعي قـرار دارد از سـاير قـسمتهاي ارگ سالمتر باقي مانده و در اين اواخر تعميراتي در آن بعمل آورده‌اند بطـور كلـي ارگ بم را مي‌توان بر دو قسمت دانست يكي قسمت عليائي كه بر روي صـخره طبيعـي كـوه ساخته شده و اختصاص به حاكم و صاحب ارگ داشته و دستگاههاي دولتـي و نظـامي در آن مستقر بوده است دومخ قـسمت سـفلائي كـه مـسكن عامـه مـردم و دهقانـان و پيشه‌وران بوده است.

دو کسیادیس مؤسس و سرپرست شرکت دو کسیادیس در سال ۱۹۱۳ در آتـن بدنیا آمده و در سال ۱۹۳۵ لیسانس معماري از دانشگاه تکنیك آتن را گرفت.

از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۹ مسئول طراحي قسمت جدید آتن بود. از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹٤٤ ریاست دایره طراحي شهرستانها و پایتخت در وزارت کارهاي عمـومي را بعهـده داشت و در دانشگاه تکنیك آتن تدریس مي‌کرد.

از ۱۹٤٥ تا ۱۹٤۷ بعنوان منشي ثابت در وزارت آباداني و مسکن و بعنوان وزیـر مقیم و معاون منشي در وزارت انتظامات یونان از ۱۹٤۷ تا ۱۹٥۱ خدمت کرد.

از ۱۹٥۱ سرپرسـي شـرکت دو کـسیادیس و همچنـین ریاسـت هیئـت عامـل انستیتو تکنولوژي آتن باو واگذار شد.

نوشته‌هایش شامل تجربه و تحلیل اکیستیکس در سال ۱۹٤٦، ویراني شـهرها و دههاي آتن در ۱۹٤۷، پایتخت، و آینده آتن در ۱۹٦۳، «اکیستیکس» آغـازي در علـم اماکن بشر در سال ۱۹٦٦ مي‌باشد.